

## قرآن و شفابخشی بیماری‌های روحی و جسمی

محمد سالم محسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف نشان دادن نقش قرآن در بهبود بیماری‌های روحی و جسمی، شفابخشی قرآن را از نگاه عقل، آیات و روایات و نیز شواهد تجربی و یافته‌های پزشکی بحث و ارزیابی کرده است. تأکید بیشتر تحقیق بر اثبات امکان شفابخشی قرآن برای بیماری‌های جسمی است.

**روش:** این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، نخست «آیات شفا» را در قرآن و دیدگاه مفسران بررسی کرده و سپس به بحث و تحلیل روایات و شواهد تجربی و یافته‌های پزشکی درباره شفابخشی بیماری‌های جسمی پرداخته است.

**یافته‌ها:** شفابخشی قرآن هم برای روح و هم برای جسم انسان قابل اثبات است؛ اما این، به معنای کنار گذاشتن اسباب مادی و درمان‌های طبی نیست، بلکه برای درمان بیماری‌ها باید هم از اسباب ظاهری کمک گرفت و هم به اسباب معنوی و دعا و قرآن تمسک جست. در شفابخشی قرآن، ایمان به خدا و آموزه‌های وحیانی و نیز اعتقاد به شفابخش بودن قرآن، نقش دارد؛ بنابراین، شفا یابی جسمی به صورت خارق‌العاده، امری همگانی نیست که عموم مردم به آسانی به آن دست یابند؛ البته تأثیرگذاری قرآن در حد آرامش و تسکین دردها، برای عموم مردم ممکن است.

**نتیجه‌گیری:** رسالت اصلی قرآن هدایت بشر و درمان بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی اوست؛ اما شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های جسمی نیز از نظر عقلی ممکن بوده و از نظر نقلی، برخی آیات قرآن و روایات بر آن دلالت دارند و نیز تجربه‌های مؤمنان از صحت آن حکایت دارد و آزمایش‌های بالینی پزشکی در مواردی، تأثیرگذاری آن را بر آرامش و تسکین دردها تأیید کرده است

**واژه‌های کلیدی:** آیات شفا، بیماری جسمی، بیماری روحی، شفا، شفابخشی قرآن

## ۱. مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایت است و برای نجات و رستگاری بشر نازل شده است؛ از این رو، هدف اصلی آن اصلاح عقاید باطله و اخلاق رذیله است تا روح و جان انسان‌ها را شفا بخشد و از بیماری‌های فکری و اخلاقی برهاند؛ حتی احکام شریعت در حوزه حلال‌ها و حرام‌ها، به خصوص خوراک، پوشاک و محیط‌زیست، عوامل سلامتی جسم انسان‌ها را نیز فراهم آورده است.

قرآن کریم این هدف و کار ویژه خود را در برخی آیات، به‌عنوان شفا یاد کرده است، مانند «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَا وَرَجْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء، ۸۲). حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا شفابخشی قرآن تنها مربوط به روح انسان و بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی است یا شامل جسم انسان و بیماری‌های جسمانی نیز می‌شود؟

فرضیه این است که قرآن بدون تردید، شفای روح انسان‌ها است؛ اما شفابخشی آن نسبت به بیماری‌های جسمی، محل بحث بوده و نیاز به اثبات دارد.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آیات شفا پرداخته و دیدگاه مفسران را در این باره بررسی می‌کند و سپس مسئله را در روایات مورد بحث قرار می‌دهد؛ همچنین مسئله را از نظر امکان عقلی بررسی کرده و به شواهد تجربی و یافته‌های علمی-پزشکی نیز استناد می‌کند.

## ۲. پیشینه تحقیق

بحث شفابخشی قرآن را باید در تفاسیر و ضمن آیات شفا مطالعه کرد؛ البته در آنجا بیشتر به شفای روح پرداخته شده است؛ اما در مسئله شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های جسمی نیز کتاب‌های فراوانی نگارش یافته که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

- از قرآن شفا بگیریم (خواص آیات و سور قرآن کریم)، نوشته سید محمد حسینی بهارانچی؛

- الاستشفاء و قضاء الحوائج بالقرآن الکریم، نوشته عبدالحلیم عوض الحلّی.

- شفا از منظر قرآن، نوشته محمود غلامرضا میرزایی، فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره نهم، سال ۱۳۸۸؛

- قرآن درمانی در بوته نقد، نوشته حسن رهبری، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۱، سال ۱۳۸۹.

- قرآن درمانی روحی و جسمی، نوشته محسن آشتیانی و سید محسن موسوی؛

- قرآن درمانی، حسن عبدالحسین صالحی، ترجمه زینب شبانکاری و کاظم عابدینی؛

- درمان اعجاز آمیز قرآن، نوشته حسین علی علایی و حسن رضا رضایی، دو فصلنامه قرآن و علم، شماره نهم، سال ۱۳۹۰؛

همچنین مقالاتی زیادی در این باره نگارش یافته است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

این آثار بیشتر به بیان فضائل و خواص درمانی سوره‌ها و آیات قرآن و اینکه در درمان چه نوع بیماری‌ها مؤثر است، پرداخته‌اند و در این گونه آثار، تحلیل شفابخشی قرآن و اثبات استدلالی آن چندان مطرح نشده است. برخی این آثار مانند مقاله «قرآن درمانی در بوته نقد»، شفابخشی قرآن در بیماری‌های جسمی و روایات مربوط به آن را نقد کرده است.

اما امتیاز تحقیق حاضر این است که با استناد به امکان عقلی شفابخشی قرآن در بیماری‌های جسمی، این مسئله را در «آیات شفا» بحث و تمامی تفاسیر را در این زمینه بررسی کرده است و نیز روایات مربوط به شفابخشی قرآن را بررسی و مهم‌ترین آن‌ها را مورد استناد قرار داده است؛ همچنین به شواهد تجربی شفا یابی مؤمنان از قرآن و آزمایش‌های بالینی انجام‌شده روی بیماران، برای اثبات «شفابخش بودن قرآن در بیماری‌های جسمی» استناد کرده است.

### ۳. مفهوم‌شناسی شفا

واژه «شفا» از ماده «شفی» است و این ماده به چند معنا به کار رفته است که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:  
احمد بن فارس می‌گوید:

الشین و الفاء و الحرف المعتل يدل على الإشراف على الشيء؛ يقال أشفى على الشيء إذا أشرف عليه؛ وسمى الشفاء شفا لغلبيته للمرض وإش فائه عليه؛ شين و فاء و حرف علت، بر اشراف بر شیء دلالت دارد؛ از این رو وقتی گفته می‌شود «أشفی علی الشيء» به معنای این است که مشرف بر آن چیز شده است و شفا نیز از آن جهت شفا نامیده شده است که بر بیماری غلبه یافته و اشراف پیدا می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۹۹، واژه شفی).

خلیل بن احمد فراهیدی شفا (به فتح شین) را از «شفو» دانسته، چنین تعریف می‌کند:

شفا کل شیء: حده و حرفه، و جمعه: أشفاء؛ شفا به معنای حد چیزی و کنار و حاشیه آن است و جمع آن «اشفاء» است و اگر گفته شود «شفا البئر» به معنای کنار چاه است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۸۸، واژه شفو).

اما وی درباره شفا (به کسر شین) می‌گوید:

الشِّفاء: معروف، و هو ما يُبرئ من السقم. شفاً لله يَشْفِيهِ شفا؛ و استشفی فلان، إذا طلب الشفاء؛ یعنی شفا معروف است و آن چیزی است که از بیماری بهبود می‌بخشد؛ و «شفاً لله يَشْفِيهِ شفا»؛ یعنی خداوند او را سلامتی داد و استشفاء به معنای طلب شفا است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۹۰، واژه شفی).

ابن منظور بر تعریف بالا، کلمه «دواء» را اضافه می‌کند و می‌گوید: «الشِّفاء: دواءٌ معروف، و هو ما يُبرئ من السقم» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۴۳۶، واژه شفی)؛ یعنی شفا دواي معروفی است که از بیماری بهبود می‌بخشد.

راغب اصفهانی می‌گوید: شفاي از بیماری را از آن جهت شفا نامیده‌اند که صاحب آن به کنار سلامتی می‌رسد و شفا برای سلامتی اسم قرار داده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۹، واژه شفا).

بنابراین، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که «شفا» دو کاربرد دارد: یکی به معنای سلامتی و عافیتی که بعد از بیماری حاصل می‌شود و دیگری، به معنای دوا و دارو است که از باب تسمیه سبب به اسم مسبب است.

با توجه به معنای اصلی ماده «شفی» یا «شفو» - که اشراف بر چیزی یا کنار و لبه چیزی است - وجه نام‌گذاری «شفا» این خواهد بود که اولاً اگر اصل واژه شفا به معنای کنار و حاشیه باشد، شفا از آن جهت «شفا» نامیده شده است که شخص شفا یافته به کنار سلامتی می‌رسد و اگر اصل آن به معنای اشراف بر چیزی باشد، شفا از آن جهت «شفا» نامیده شده است که آن شخص بر بیماری غلبه و اشراف پیدا می‌کند.

### ۴. قرآن و شفابخشی بیماری‌های روحی

بیماری‌های روحی انسان در دو حوزه ظهور و بروز پیدا می‌کند: یکی در حوزه اعتقادات و باورها و دیگری در حوزه اخلاق و رفتارها؛ اما بر اساس آموزه‌های وحیانی، همه این نوع بیماری‌ها با قرآن درمان می‌شود. قرآن کریم چون کتاب هدایت است: «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره، ۱۸۵) و «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲)، هرچه را برای هدایت و تربیت انسان نیاز است، بیان کرده است: «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹)؛ بنابراین، این کتاب هدایت بخش الهی، هم شفابخش بیماری‌های اعتقادی است و هم درمانگر بیماری‌های اخلاقی. امام علی (ع) می‌فرماید:  
پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر، نفاق، سرکشی و گمراهی است (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

#### ۴-۱. شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های اعتقادی

بیماری‌های اعتقادی عبارت‌اند از الحاد، شرک، نفاق، شک، جهل، ضلالت و مانند آن؛ اما قرآن با تبیین روشن از حقایق عالم هستی و شناساندن حقیقت انسان و مبدأ و معاد، این نوع بیماری را شفا می‌بخشد و افکار و باورهای غلط را اصلاح می‌کند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۹-۳۹۰).

قرآن در آیات مختلف از نفاق، شک، جهل و عناد، به‌عنوان مرض و بیماری یاد کرده است؛<sup>۱</sup> بنابراین، اگر انسان آمادگی شنیدن قرآن و پذیرش این نسخه شفابخش الهی را داشته باشد، تمام سوره‌ها و آیات آن، برایش از تمامی بیماری‌های فکری و اعتقادی شفا و درمان خواهد بود: «وَيُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء، ۸۲) و بر ایمانش خواهد افزود: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (توبه، ۱۲۴)؛ ولی اگر همچنان بر جهل و عناد خود اصرار بورزد، قرآن نه‌تنها شفا نیست، بلکه مایه خسران بوده: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء، ۸۲) و بر بیماری او می‌افزاید: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رَجْسًا إِلَىٰ رَجْسِهِمْ» (توبه، ۱۲۵).

#### ۴-۲. شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های اخلاقی

بیماری‌های اخلاقی عبارت‌اند از ردایل و صفات خبیثه و ملکات قبیحه، مانند دورغ، حسد، بخل، تکبر، ریا و مانند آن؛ اما قرآن با تبیین ردایل و مفساد اخلاقی، این نوع بیماری را نیز شفا می‌بخشد و انسان را به‌سوی اخلاق فاضله ارشاد می‌کند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۹-۳۹۰).

آیت‌الله جوادی آملی از شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی، به شفابخشی آن در دو حوزه حکمت نظری و حکمت عملی تعبیر کرده، می‌گوید:

قرآن کریم هم ضعف‌ها و مرض‌هایی را که مربوط به حکمت نظری است با برهان شفا می‌دهد و هم مرض‌هایی که مربوط به حکمت عملی است را با تهذیب و تصفیة دل بهبود می‌بخشد، همه بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی انسان را درمان می‌کند. جهل را که بدترین بیماری درونی است، با علم درمان می‌کند و شک را با یقین، و اندوه و غم را با آرامش و ترس و هراس را با طمأنینه و امید، و اضطراب و نگرانی از آینده را با عزم و ثبات برطرف می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ب، ص ۲۳۶).

#### ۵. قرآن و شفابخشی بیماری‌های جسمی

اگرچه قرآن کریم در واقع کتاب هدایت است و برای درمان بیماری‌های روحی و معنوی نازل شده و رسالتش تربیت انسان‌ها و نجات و رستگاری جامعه بشری است، اما در عین حال، این آیات الهی برای دردهای جسمی نیز می‌تواند فی‌الجمله شفابخش باشد. این مطلب هم از خود قرآن قابل اثبات است و هم روایات فراوان بر آن تصریح دارند و از سوی دیگر، تجربه‌های مؤمنان نیز به‌خوبی نشان داده است که این کتاب آسمانی و آیات نورانی، گشایش‌هایی ایجاد کرده و بیماری‌های افراد زیادی را شفا بخشیده است.

براین اساس، ما نخست امکان عقلی شفابخشی قرآن را بحث کرده و سپس به بیان ادله قرآنی و روایی می‌پردازیم و در نهایت، به شواهد تجربی و یافته‌های علمی اشاره می‌کنیم.

#### ۵-۱. امکان عقلی

اصل مسئله شفابخش بودن قرآن برای بیماری‌های جسمی، از موضوعاتی است که باید با ادله نقلی و تجربی اثبات شود؛ اما آنچه را عقل می‌تواند در این زمینه اظهار نظر کند، امکان شفابخشی قرآن است؛ یعنی شفابخش بودن قرآن برای بیماری‌های جسمی از نظر عقلی، امری ممکن بوده و استبعادی ندارد.

۱. از جمله ر.ک: بقره، ۱۰؛ مائده، ۵۲؛ انفال، ۴۹؛ توبه، ۱۲۵؛ حج، ۵۳؛ نور، ۵۰؛ احزاب، ۱۲؛ مدثر، ۲۱.

می‌گوییم، معنایش این نیست که درمان بیماری‌های جسمی به وسیله قرآن به صورت همگانی و در هر شرایطی حاصل شود؛ چون رسالت قرآن درمان امراض جسمی نیست؛ قرآن به صورت خارق العاده شفا بخش است، اما شرایط خاصی دارد که در مباحث بعدی مطرح خواهد شد.

## ۵-۲. ادله قرآنی

در شش آیه قرآن کریم واژه شفا و مشتقات آن به کار رفته است که چهار بار خود واژه «شفا» و یکبار واژه «یشفین» و یکبار هم واژه «یشف» استفاده شده است؛ این آیات، به «آیات شفا» معروف است.<sup>۱</sup>

## ۵-۲-۱. آیات شفا در قرآن

یکم) آیه ۶۹ سوره نحل:

۱. **ثُمَّ كَلِمَٰتٍ مِّنْ كُلِّ النَّمِرَاتِ فَاٰسَلِكِي سَبْلَ رَبِّكِ ذٰلِٰلًا يَّخْرُجُ مِنْ بُطُوْنِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانِ فِيْهِ شِفَا لِّلنَّاسِ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ.**

دوم) آیه ۸۰ سوره شعراء:

**وَ اِذَا مَرَضَتْ فِهٖو يَشْفِيْنَ.**

سوم) آیه ۵۷ سوره یونس:

**يَا اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَا لِمَا فِي الصُّدُوْر وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ.**

چهارم) آیه ۱۴ سوره توبه:

**قَاتِلُوْهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللّٰهُ بِاَيْدِيْكُمْ وَيُخْزِيْهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُوْرَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِيْنَ.**

پنجم) آیه ۴۴ سوره فصلت:

**وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآٰنًا اَعْجَمِيًّا لِّقَالُوْا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آٰتِیٰتُهٗ ؕ اَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَ شِفَا وَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِي**

اگرچه فعل و انفعالات عالم طبیعت بر اساس قوانین طبیعی و اسباب مادی صورت می‌گیرد و ذهن ما نیز با آن خو گرفته است و همچنین حیطة کار علوم تجربی به خصوص طب و پزشکی در قلمرو قوانین طبیعی و نظام حاکم بر عالم جسمانی است، اما این سخن به معنای نفی تأثیرپذیری رویدادهای جهان طبیعت از ماورای طبیعت نیست.

خداوند متعال آفریدگار جهان است و تمام رویدادهای عالم بر اساس اراده و مشیت او صورت می‌گیرد. البته در جهان ماده این اراده از راه اسباب و علل مادی انجام می‌شود، اما امکان این وجود دارد که خداوند فراتر از اسباب متعارف، از طریق دیگر فعلی را مانند شفا انجام دهد که این کار به ظاهر، خارق العاده خوانده می‌شود چون برخلاف عادت انجام شده، اما خارق علت نیست، بلکه علتش برای ما ناشناخته است.

شفای بیماری‌های جسمی از طریق عوامل معنوی یا خارق العاده در امت‌های گذشته نیز سابقه دارد؛ چنان‌که حضرت عیسی به اذن خداوند، بیماری‌های جسمی را شفا می‌داد و حتی مردگان را زنده می‌کرد: «وَ تَبْرَأُ الْاَكْمِهٖ وَ الْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ وَ اِذْ يَخْرُجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ؛ و کور مادرزاد و مبتلابه بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می‌دادی و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی» (مائده، ۱۱۰؛ نیز ر.ک: آل عمران، ۴۹).

اگر پیامبر الهی که دریافت‌کننده وحی است، بتواند مرده را زنده کند و بیماران جسمی را درمان نماید، قرآن که کلام و فعل الهی است، چگونه نتواند شفا بخش باشد! همچنین، اگر قرآن کریم دارای چنان عظمتی باشد که «لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰى جِبَلٍ لَّرَأٰیْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ؛ اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، قطعاً آن را از ترس خدا فروتن و از هم‌پاشیده می‌دید» (حشر، ۲۱)، پس چگونه وقتی بر بیمار خوانده شود، آن بیماری برطرف نگردد!

البته وقتی از امکان عقلی شفا بخشی قرآن سخن

۱. در این باره ر.ک: بیضاوی، أنوار التنزیل فی اسرار التأویل، ج 3، ص 265؛ کفعمی، المصباح، ص 196.

أَدَانِهِمْ وَقَرَّ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمِي أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ.

ششم) آیه ۸۲ سوره اسراء:

وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا.

در این میان، آیات یکم و دوم درباره شفای جسمی است، چون آیه شماره یکم از شفابخشی غسل سخن می‌گوید و آیه شماره دوم در مورد درمان مرض و بیماری جسمی به کاررفته است؛ اما چهار آیه دیگر (شماره سوم تا ششم) ظاهراً بر شفای روحی دلالت دارند، ولی شفای جسمی نیز از برخی آن‌ها قابل اثبات است.

در آیه شماره سوم، قرآن «شفای آنچه در سینه‌ها است»، معرفی شده است و مفسران این شفا را به معنای درمان بیماری‌های روحی و معنوی دانسته‌اند (برای نمونه، ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۴-۳۹۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۲۶۷-۲۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۱۸).

در آیه شماره چهارم، شفا به معنای تشفی و مرهم‌گذاری بر دل‌های مؤمنانی است که سال‌ها از سوی مشرکان آزار و اذیت شدند.

در آیه شماره پنجم نیز بیشتر مفسران جمله «هُدًى وَ شِفَا» را به معنای شفای روحی دانستند (برای نمونه، ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۴۰۰)؛ اما برخی دیگر شفای جسمی را نیز استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که علامه طبرسی در مجمع‌البیان (ج ۹، ص ۲۵) می‌گوید: «وَ شفا من الأوجاع و قیل و شفا للقلوب» و در جوامع الجامع (ج ۴، ص ۳۶) می‌گوید: «وَ شفا... لِمَا فِي الصُّدُورِ مِنَ الشَّيْءِ، أَوْ شفا من الأدوية»؛ یعنی قرآن شفای بیماری‌ها و دردها نیز هست.

اما آنچه بیشتر محل بحث و نظر قرار گرفته آیه شماره ششم است. اگرچه مفسران شفابخشی قرآن را در این آیه به معنای شفای بیماری‌های روحی و معنوی دانستند، اما درعین حال جمعی زیادی از آنان از اطلاق این آیه، شفای جسمی را نیز

استنباط کرده‌اند که در ادامه بررسی می‌شود.

### ۵-۲-۲. استنباط مفسران از آیات شفا

برخی مفسران تصریح کرده‌اند که قرآن علاوه بر آنکه برای روح و بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی شفابخش است، برای جسم انسان و بیماری‌های جسمی و روانی نیز شفابخش است.

شیخ طوسی درباره شفابخشی قرآن می‌گوید:

ثلاث آيات بلا خلاف. أخبر الله تعالى: أنه أنزل القرآن و فيه شفا، و وجه الشفاء فيه من وجوه:

أحدها- ما فيه من البيان الذي يزيل عمى الجهل و حيرة الشك. و ثانيها- أنه من جهة نظمه و تأليفه يدل على انه معجز دال على صدق من ظهروه على يده.

و ثالثها- انه يتبرك به فيدفع به كثيرا من المكاره و المضار، على ما يصح و يجوز في مقتضى الحكمة.

ورابعها- ما في العبادة بتلاوته من الصلاح الذي يدعو الى أمثاله بالمشاكله التي بينه و بينه الى غير ذلك (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۱۳).

علامه طبرسی نیز مانند شیخ طوسی، وجوه مختلف شفابخشی قرآن را بررسی کرده و یکی از موارد آن را شفای بیماری‌های جسمی می‌داند:

(و منها) أنه يتبرك به و بقراءته و يستعان به على دفع العلل و الأسقام و يدفع الله به كثيرا من المكاره و المضار على ما تقتضيه الحكمة (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۳)؛ یعنی قرآن وسیله‌ای است که به آن تبرک می‌جویند و برای رفع بیماری‌ها قرائت می‌کنند و خداوند به وسیله قرآن، به مقتضای مصلحت خود، بسیاری از زیان‌ها و امور ناپسند را از مردم دور می‌سازد.

فخر رازی نیز به شفابخشی جسمی قرآن اشاره کرده می‌گوید:

واعلم أن القرآن شفا من الأمراض الروحانية، و شفا أيضا من الأمراض الجسمانية... و أما كونه شفا من الأمراض الجسمانية

فلأن التبرك بقراءته يدفع كثيرا من الأمراض؛ و لما اعترف الجمهور من الفلاسفة و أصحاب الطلسمات بأن لقراءة الرقى المجهولة و العزائم التي لا يفهم منها شيء آثارا عظيمة في تحصيل المنافع و دفع المفاسد، فلأن تكون قراءة هذا القرآن العظيم المشتمل على ذكر الله و كبريائه و تعظيم الملائكة المقربين و تحقير المردة و الشياطين سببا لحصول النفع في الدين و الدنيا كان أولى و يتأكد ما ذكرنا بما روى أن النبي صلى الله عليه و سلم قال: «من لم يستشف بالقرآن فلا شفاه الله تعالى» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۹-۳۹۰).

ابوالفتوح رازی نیز مانند شیخ طوسی، وجوه شفا بخشی قرآن را برشمرده و در وجه سوم می گوید:

و وجه سهام آن که ممتنع نبود که مردم به او تبرک کنند و استشفاء، و به او طلب شفا کنند، چه اخبار به این وارد است و از جمله نام های فاتحه کتاب یکی «سورة الشفا» است؛ و صادق -علیه السلام- گفت: هر که را بیماری باشد باید که بامداد چون روی از نماز برگرداند، هفت بار الحمد بخواند و باز بر او دمد و اگر به نشود روز دیگر هفتادبار بخواند، من ضامنم به شفا، إلا که بیماری باشد که اجل او در آن باشد. رسول -علیه السلام- گفت: القرآن هو الدواء؛ و رجاء الغنوی گفت، از رسول -علیه السلام- شنیدم که گفت: من لم يستشف بالقرآن فلا شفاه الله، هر که او به قرآن طلب شفا نکند خدای او را شفا مدهاد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۷۷).

فیض کاشانی می گوید:

وَ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَا وَ رَجْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي مَعَانِيهِ شِفَا الْأَرْوَاحِ وَ فِي أَلْفَاظِهِ شِفَا الْأَبْدَانِ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۳)؛ یعنی معانی آیات قرآن برای شفای بیماری های روحی و الفاظ قرآن برای درمان بیماری های جسمی است.

علامه طباطبایی در این باره می گوید:

مفسرین در معنای صدر و ذیل آیه وجوه دیگری را ذکر کرده اند که ما از طرح آن صرف نظر کردیم، اگر کسی بخواهد

بیشتر اطلاع حاصل کند باید به تفاسیر آنان مراجعه نماید. از جمله حرف هایی که گفته اند این است که مراد از «شفا» در آیه اعم از شفای بیماری های روحی از قبیل جهل و شبهه و شک و ملکات زشت نفسانی است و بلکه بیماری های جسمی را هم شامل است؛ زیرا با تبرک به آیات کریمه قرآن و نوشتن و همراه داشتن آن ها بیماری های بدن هم معالجه می شود.

ما هم در این نظر حرفی نداریم، لکن اگر این عمومیت صحیح باشد، باید در صدر و ذیل آیه هر دو صحیح باشد و بگوییم همان طور که به کمک آیه های قرآن و نوشتن و خواندن آن مرض ها و ناخوشی ها برطرف می شود، همچنین از همان راه دشمنی دشمنان دین و ظلم ظالمان و کید کافران دفع و باطل می گردد و در نتیجه، باز قرآن جز خسران اثری برای کفار ندارد، این هم در جای خود مطلبی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۸۵).

آیت الله جوادی آملی در برشماری اسامی سوره حمد وقتی به اسم «شفا» و «شافی» می رسد، شفا بخشی قرآن را نسبت به بیماری های جسمی مجرب خوانده، چنین می نویسد:

گرچه تلاوت سوره حمد شفا بخش بیماری های تن نیز هست و در این امر مجرب، هیچ تردیدی نیست، اما مهم، بیماری های جان است... (جوادی آملی، ۱۳۸۱ الف، ج ۱، ص ۲۶۳؛ همچنین ر.ک: همو، ۱۴۰۱، ج ۵۰، ص ۱۴۹).

### ۳-۵. ادله روایی

درباره شفا بخشی قرآن نسبت به بیماری های جسمی، روایات زیادی وجود دارد که برخی آن ها قرآن را به صورت کلی شفا بخش می دانند و برخی دیگر، سوره ها و آیات خاصی را شفای دردها و بیماری ها معرفی می کنند. در اینجا برای نمونه، به برخی این نوع روایات اشاره می شود.

الف) روایاتی که کل قرآن را شفا می دانند: روایات زیادی وجود دارد که قرآن را به صورت مطلق شفا بخش می خوانند، مانند

قرآن و شفابخشی بیماری‌های روحی و جسمی

روایات زیر:

- عَنِ النَّبِيِّ (ص): الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ؛ يَعْنِي قُرْآنٌ دَوَا اسْت (قطب‌الدین رواندی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۸).

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: «شِكَارُ رَجُلٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعًا فِي صَدْرِهِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَشِفْ بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّ وَجَلَّ- يَقُولُ: «وَشَفَا لِمَا فِي الصُّدُورِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۵۹۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۲۴)؛<sup>۱</sup>

مردی از بیماری سینه نزد پیامبر شکایت کرد؛ حضرت فرمود: از قرآن شفا بجویید، خداوند متعال می‌فرماید: و شفا است برای دردهای سینه‌ها.

در این روایت اگرچه از «وجع صدر» یعنی بیماری سینه سخن رفته است، ولی عموم آن، همه بیماری‌های سینه از قبیل جهل، غم و اندوه و درد را شامل می‌شود (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۱۴).

- عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْجَدِيثِ وَ تَفْقَهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبَّعَ الْقُلُوبَ وَ اسْتَشَفُّوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شَفَا الصُّدُورَ (نهج البلاغه، ص ۱۶۴)؛

و قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌ها است و از نور آن شفاء و بهبودی بخواهید که شفای سینه‌های بیمار است.

- عَنِ النَّبِيِّ (ص): مَنْ لِمَ يَسْتَشِفْ بِالْقُرْآنِ فَلَا شِفَاهُ اللَّهُ (طبرسی حسن بن فضل، ۱۴۱۲، ص ۳۶۳)؛

کسی که به قرآن شفا نجوید، خداوند او را شفا نخواهد داد.  
(ب) روایاتی که برخی سوره‌ها و آیات قرآن را شفابخش معرفی می‌کنند: در این بخش روایات فراوانی وجود دارد که سوره‌ها و نیز آیات مختلفی را برای تمامی دردها یا برای برخی بیماری‌های خاص توصیه می‌کنند که به چند نمونه اشاره می‌شود.

یکم) سوره حمد:

۱. روایت موثق.

- مُحَمَّدٌ بُنُّ يَجِيئِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَبْيَعٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْنُؤْفَلِيِّ رَفَعَهُ، قَالَ: مَا قَرَيْتُ الْإِحْمَدَ عَلَى وَجَعٍ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا سَكَنَ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۶۴۸)؛

سوره حمد هفتاد مرتبه بر بیماری خوانده نشد مگر اینکه آرام شد.

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَوْ قَرَيْتُ الْإِحْمَدَ عَلَى مِئَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ رُدَّتْ فِيهِ الرُّوحُ، مَا كَانَ ذَلِكَ عَجَبًا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۶۴۸-۶۴۹)؛<sup>۲</sup>

اگر سوره حمد هفتاد مرتبه بر مرده‌ای خوانده شود و روح او برگردد، این امر شگفت‌آور نخواهد بود.

- قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ نَالَتْهُ عِلَّةٌ فَلْيَقْرَأْ فِي جَنَّتِهِ الْإِحْمَدَ سَبْعَ مِرَّاتٍ، فَإِنَّ ذَهَبَتِ الْعِلَّةُ وَ إِلَّا فَلْيَقْرَأْ سَبْعِينَ مَرَّةً، وَ أَنَا الضَّامِنُ لَهُ الْإِعَافِيَةَ (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۴)؛

کسی را که علت و بیماری برسد، پس باید حمد را هفت مرتبه در گریبانش بخواند؛ اگر بیماری برطرف شد خوب و گرنه هفتاد مرتبه بخواند و من سلامتی را برای او ضمانت می‌کنم.  
دوم) آیه الكرسي:

- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) قَالَ: «إِنَّمَا شَفَا الْعَيْنَ قِرَاءَةُ الْحَمْدِ، وَ الْمَعْوَدَتَيْنِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۱۷۳)؛  
همانا شفای چشم، خواندن حمد، معوذتین و آیه الكرسي است.

- عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ لِيُضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنْهَا تَبْرَأُ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۶؛ طبرسی حسن بن فضل، ۱۴۱۲، ص ۳۷۴)؛<sup>۳</sup>

هرگاه یکی از شما از درد چشم شکایت کرد، باید آیه الكرسي را به نیت اینکه بهبودی می‌یابد بخواند، به‌خواست خداوند بهبودی

۱. روایت صحیح.  
۱. روایت صحیح.

خواهد یافت.

برای بیماری‌های جسمی فی الجمله اثبات کنند.

سوم) آیه «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَا»:

- عَنِ الصَّادِقِ (ع): مَا اشْتَكَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ شِكَاةً قَطٍ فِقَالَ بِإِخْلَاصٍ نِيَّةٍ وَ مَسَحَ مَوْضِعَ الْعِلَّةِ وَ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَا وَ رَجِمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا إِلَّا عَوْفِي مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ آيَةٌ عَلَيْهِ كَانَتْ وَ مُصَدِّقٌ ذَلِكَ فِي الْآيَةِ حَيْثُ يَقُولُ شِفَا وَ رَجِمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (ابن بسطام، ۱۴۱۱، ص ۲۸).

هیچ مؤمنی نیست که از دردی شکایت داشته باشد و دستش را روی محل بیماری بکشد و با نیت خالص بگوید: وَ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَا وَ رَجِمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا، مگر اینکه از آن بیماری بهبود یابد؛ هر بیماری که باشد و مصداق این مطلب در آیه، جایی است که می‌فرماید: برای مؤمنان شفا و رحمت است.

چهارم) قرائت صد آیه از قرآن:

- عَنِ الصَّادِقِ (ع): مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ مِنْ أَيِّ الْقُرْآنِ شَاءَ ثُمَّ قَالَ سُبْحَانَ رَبِّيَ اللَّهُ فَلَوْ دَعَا عَلَى الصُّخُورِ فَلَقِيهَا (طبرسی حسن بن فضل، ۱۴۱۲، ص ۳۶۳؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۴۵): کسی که صد آیه از هر جای قرآن که بخواند، بخواند، سپس هفت مرتبه بگوید: یا الله، اگر بر صخره‌ها دعا کند، آن را می‌شکافد.

- عَنِ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: إِذَا خَفَتِ أَمْرًا فَأَقْرَأْ مِائَةَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ»؛ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۶۴۵؛ طبرسی حسن بن فضل، ۱۴۱۲، ص ۳۶۳):

هرگاه از کاری ترسیدی، صد آیه از هر جای قرآن که می‌خواهی بخوان، سپس سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ».

این روایات اگرچه از نظر سند برخی صحیح و معتبر و برخی دیگر ضعیف‌اند، ولی در کل، می‌توانند شفا بخش بودن قرآن را

#### ۴-۵. شواهد تجربی

تجربه‌های مؤمنان نشان می‌دهد که قرآن کریم یا برخی سوره‌ها و آیات آن در بیماری‌های جسمی نیز شفا بخش بوده است. در این زمینه از گذشته تاکنون به گزارش‌های زیادی برمی‌خوریم که این اطمینان را به وجود می‌آورد که حداقل بخشی از آن‌ها واقعیت داشته است.

علامه محمد تقی مجلسی درباره شفا بخشی سوره حمد می‌گوید:

و از این جهت [سوره حمد] شافیه نامیده شده است و من بیشتر از هزار نفر را تجربه کرده‌ام که بیماری شدید داشتند، به اندازه‌ای که از آن مأیوس شدند، اما با سوره حمد بهبود یافتند. ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار عالمیان است؛ و این همچنین از معجزات قرآن است، بلکه هر آیه از آیات قرآن معجزه است؛ همانا قرآن برای هر مطلبی که قرائت شود، آن مطلب حاصل خواهد شد، در صورتی که با اخلاص و یقین باشد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۱۳۷).

ملا صالح مازندرانی در شرح حدیثی اصول کافی در ذیل جمله «استشف بالقرآن»، می‌گوید:

استشفای به قرآن این است که به‌طور مطلق یا به‌قصد شفا قرائت شود. اطلاق قرآن اقتضا دارد که هر آیه و هر سوره آن شفا باشد و استشفای به بعض آیات و بعضی سوره‌های قرآن در خصوص برخی بیماری‌ها روایت شده است و سوره حمد برای تمامی بیماری‌ها مجرب است، به‌خصوص که هفتاد مرتبه خوانده شود (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۱۴).

#### ۵-۵. یافته‌های علمی و پزشکی

طبق آیات قرآن و روایات معصومین، روشن شد که قرآن می‌تواند برای بیماری‌های جسمی شفا بخش باشد و شواهد

## قرآن و شفابخشی بیماری‌های روحی و جسمی

تجربی نیز از تحقق آن حکایت دارند؛ اما آیا این مسئله با آزمایش‌های بالینی نیز اثبات پذیر است یا خیر؟ اگر اثبات پذیر است، آیا هنوز به اثبات رسیده است؟

به نظر می‌رسد در این زمینه تحقیقات کافی صورت نگرفته است، اما در عین حال برخی آزمایش‌هایی بالینی نشان داده است که آیات قرآن در کاهش اضطراب و استرس، تسکین درد، بهبود علائم حیاتی و... تأثیر مثبت داشته که برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

مطالعه‌ای که روی ۱۲ بیمار مبتلا به مولتیپل اسکلروز انجام شده است، قرائت سوره‌های فاتحه‌الکتاب و توحید برای این بیماران مفید بوده و نتایج آن نشان داده است که بعد از مداخله، معیارهای سلامت جسمانی در بیماران نسبت به قبل از مداخله دارای تفاوت معناداری بوده است (مفتون و دیگران، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۳۶-۳۷).

در کار آزمایشی بالینی که در دانشکده شهید بهشتی کاشان در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ روی ۷۰ نفر انجام شده، یافته‌ها نشان داده است که صوت قرآن بر کاهش اضطراب بیماران سکنه قلبی مؤثر بوده است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷-۱۳).

در کار آزمایشی بالینی دیگر که بر روی ۶۴ نفر متقاضی عمل سزارین انجام شده است، صوت قرآن برای کاهش اضطراب و درد مؤثر واقع شده و سطح رضایت‌مندی بیماران را افزایش داده است (علامه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۰۱-۶۱۰).

همچنین در یک مطالعه مروری که توسط برخی انجام شده است، حدود ۸۹ مقاله در ارتباط با تأثیر قرآن درمانی جمع‌آوری و از میان آن‌ها ۲۲ مقاله بررسی شده است که نتایج آن نشان‌دهنده تأثیر مثبت گوش دادن به قرآن بر تقویت حافظه، افزایش سلامت روحی و روانی، کاهش پرخاشگری و افسردگی، درمان اختلالات روانی و خواب، کاهش اضطراب و بهبود علائم حیاتی در افراد طبیعی، ورزشکاران و بیماران، کاهش درد در بیماران، افزایش خوش‌بینی و امید به زندگی و کمک به بیماران

در مواجهه با مشکلات، ایجاد حالت ریلکس و آرامش بیشتر و پایدار از طریق تغییر الگوی امواج مغزی و تأثیرات درمانی در برخی موارد مختلف است (محسن زاده لداری و حسینی طبق دهی، ۱۳۹۵، ش ۱، ص ۲۳).

اما باید به این نکته توجه کرد که بر اساس برخی آیات قرآن مانند آیه «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»، قرآن تنها برای مؤمنان شفا است؛ از این رو، -چنان‌که در ادامه بحث خواهد شد- شرط شفابخشی قرآن، ایمان و اعتقاد به خدا و آموزه‌های وحیانی و نیز اعتقاد به شفابخش بودن قرآن است و همچنین لازم است بیمار احساس نیاز به دعا و توسل برایش به وجود آمده باشد؛ بنابراین، در اثبات شفابخشی قرآن از طریق آزمایش‌های بالینی، ممکن است نتیجه موردنظر به دست نیاید، چون همه افراد مورد مطالعه ممکن است این شرایط را نداشته باشند و آن اخلاص و احساس نیاز به دعا و تمسک به قرآن برایشان به وجود نیاید.

### ۶. جمع‌بندی و تحلیل

در تحلیل و ارزیابی مطالبی که درباره شفابخشی قرآن کریم مطرح شد، نکات زیر قابل اشاره است:

۱. قرآن کریم اگرچه در واقع، کتاب هدایت است و شفابخشی آن در اصل، به روح انسان و بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی مربوط می‌شود و نیز به دلیل بیان حلال و حرام در زمینه خوراک و پوشاک و محیط‌زیست، زمینه سلامت جسمی بشر را نیز فراهم می‌آورد؛ اما در عین حال، شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های جسمی قابل اثبات است.

۲. شفابخشی قرآن در بیماری‌های جسمی، به معنای آن نیست که این کتاب بزرگ وحیانی در حد یک کتاب طبی و پزشکی تنزل داده شود و اهداف بزرگ آن که هدایت و رستگاری بشر است، مغفول بماند یا کم‌اهمیت جلوه داده شود.

۳. قرآن اگرچه برای بیماری‌های جسمی نیز شفابخش است،

اما این سخن به معنای آن نیست که تمام اسباب مادی کنار گذاشته شود و از داروها و درمان‌های طبی و پزشکی استفاده نشود؛ بنابراین، نمی‌توان توصیه کرد که بیماران صرفاً به قرآن تبرک و توسل جسته و از استفاده دارو و رفتن به پزشک خودداری کنند؛ بلکه برای درمان بیماری‌ها باید هم از اسباب ظاهری کمک گرفت و هم به اسباب معنوی و دعا و قرآن تمسک جست.

۴. بر اساس آیه ۸۲ سوره اسراء، قرآن تنها برای مؤمنان شفابخش است؛ بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که چون ایمان به خدا و آموزه‌های وحیانی شرط شفابخشی قرآن معرفی شده است، پس ایمان و اعتقاد به شفابخش بودن قرآن نیز در تأثیرگذاری آن نقش دارد؛ چنان‌که باور و اعتماد به پزشک و دارو نیز در اثربخشی آن مؤثر است.

۵. افزون بر ایمان و اعتقاد به قرآن و شفابخشی آن، بهره‌مند از شفای قرآنی نیاز به الحاح و التجاء دارد؛ یعنی شخص بیمار به مرحله‌ای برسد که اسباب مادی را در تأثیرگذاری مستقل نبیند و خود را واقعاً نیازمند کمک‌ها و عنایات الهی احساس کند و با این حالت، توسل و تمسک جوید.

۶. بهره‌گیری از برکات قرآن کریم در حد شفای جسمانی، نوعی ارتباط معنوی با این کلام نورانی محسوب می‌شود؛ اما

این ارتباط معنوی نیاز به خلوص و ظرفیت ایمانی بالایی دارد؛ بنابراین، شفا یابی جسمی به صورت خارق العاده، امری نیست که عموم مردم به آسانی به آن دست یابند؛ البته تأثیرگذاری قرآن در حد آرامش و تسکین دردها، برای عموم مردم ممکن است.

### ۷. نتیجه

قرآن کریم هم شفای روح انسان و درمان‌کننده بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی است و هم شفای جسم و بیماری‌های جسمانی است. برای اثبات شفابخشی قرآن نسبت به بیماری‌های جسمی، ادله و شواهد کافی وجود دارد:

اولاً از نظر عقلی، امری ممکن بوده و هیچ استبعادی ندارد؛ ثانیاً از نظر نقلی، برخی آیات قرآن و تعداد زیادی از روایات بر آن دلالت دارند و جمعی از مفسران نیز به آن تصریح کرده‌اند؛ ثالثاً تجربه‌های مؤمنان از گذشته تاکنون حکایت از آن دارد که بیماران زیادی با قرآن و آیات نورانی آن، شفا یافتند.

رابعاً بعضی آزمایش‌های بالینی نیز از تأثیرگذاری آیات قرآن بر آرامش بیماران یا کاهش درد آنان حکایت دارند، اگرچه در این زمینه مشاهدات بیشتر و آزمایش‌های بالینی گسترده‌تری نیاز است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری: سید رضی، (۱۴۱۴ ق)، تصحیح: صبحی صالح، قم: مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول.
۳. ابنابسطام، عبدالله و حسین، (۱۴۱۱ ق)، طب الأئمة عليهم السلام، قم: دارالشریف الرضی، چاپ دوم.
۴. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقائیس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالکفر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر، چاپ سوم.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاقعی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
۷. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان، چاپ دوم.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ الف)، تفسیر تسنیم، ج ۱، تنظیم و ویرایش: روح الله رزقی و احمد جمالی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ ب)، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قرآن در قرآن، ج ۱، تنظیم و ویرایش: غلامعلی امین دین، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۱ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۵۰، تحقیق و تنظیم: علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داودی، لبنان-سوریه: دارالعلم-الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۲ ش)، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم: دارالتقافه، چاپ اول.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۱۹. علامه، تاج السادات؛ جبل عاملی، میترا؛ لریستانی، خدیجه؛ اکبری، مجتبی، (۱۳۹۲ ش)، «بررسی تأثیر صوت قرآن کریم بر روی میزان اضطراب و درد بیماران تحت عمل سزارین با روش بیهوشی اسپینال: مطالعه کار آزمایشی بالینی شاهددار»، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، سال سی و یکم، شماره ۲۳۵، هفته اول تیرماه، صص ۶۰۱-۶۱۰.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، التفسیر، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، چاپ اول.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، تصحیح: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۲۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۷ ق)، الدعوات - سلوة الحزین، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (ع)، چاپ اول.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دارالحديث، چاپ اول.
۲۴. مازندرانی، محمد صالح، (۱۳۸۲ ق)، الکافی، الاصول و الروضة، تهران: المکتبه الإسلامیة، چاپ اول.

زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروز (ام.اس.)»، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، سال اول، شماره اول، صص ۳۵-۳۸.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم.

۲۹. جفی، زهرا؛ تقریبی، زهرا؛ لطفی، محمد سجاد؛ تقدسی، محسن؛ شریفی، خدیجه؛ فرخیان، علیرضا، (۱۳۹۳ ش)، «تأثیر آوای قرآن بر اضطراب بیماران مبتلابه سکتۀ قلبی»، فصلنامه مراقبت مبتنی بر شواهد، دوره چهارم، شماره ۱۰، صص ۷-۱۵.

۲۵. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم.

۲۶. محسن زاده لداری، فریده؛ حسینی طبق دهی، منیرالسادات، (۱۳۹۵ ش)، «تأثیر قرآن در درمان بیماری‌ها: مروری بر مطالعات»، نشریه اسلام و سلامت، دوره سوم، شماره اول، صص ۲۲-۲۸.

۲۷. مفتون، فرزانه؛ جهانگیر، اکرم؛ صدیق، ژیللا؛ کار بخش، مزگان؛ فرزدی، فرانک؛ خدایی، شهناز، (۱۳۸۷ ش)، «دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت

## Quran and Healing of Spiritual and Physical Diseases

3

Mohammad Salem Mohseni

### Abstract

**Background and Objective:** The present study aims to demonstrate the role of the Quran in healing both spiritual and physical illnesses by examining its healing power from the perspectives of reason, Quranic verses, narrations, as well as empirical evidence and medical findings. The research primarily focuses on proving the possibility of the Quran's healing for physical illnesses.

**Method:** This study employs a descriptive-analytical approach, first examining the "healing verses" in the Quran and the viewpoints of commentators, and then discussing and analyzing narrations, empirical evidence, and medical findings regarding the Quran's healing of physical illnesses.

**Results:** The healing power of the Quran is demonstrable for both the soul and the body. However, this does not imply the abandonment of material means and medical treatments. Rather, for treating illnesses, one must utilize both apparent means and spiritual resources such as prayer and the Quran. Faith in God, divine teachings, and belief in the Quran's healing power play a significant role. Therefore, miraculous physical healing is not a universal phenomenon easily accessible to all, though the Quran's impact on providing comfort and alleviating pain is achievable for the general public.

**Conclusion:** The primary mission of the Quran is to guide humanity and treat its ideological and moral ailments. However, the Quran's healing of physical illnesses is also rationally possible and supported by certain Quranic verses, narrations, and the experiences of believers. Clinical medical studies have, in some cases, confirmed its effectiveness in providing comfort and pain relief.

**Keywords:** Healing, Quranic healing, Verses of healing, Spiritual disease, Physical disease.